



زنگ خطر
 افزایش تولید و تجارت «تریاک»

صفحه ۴



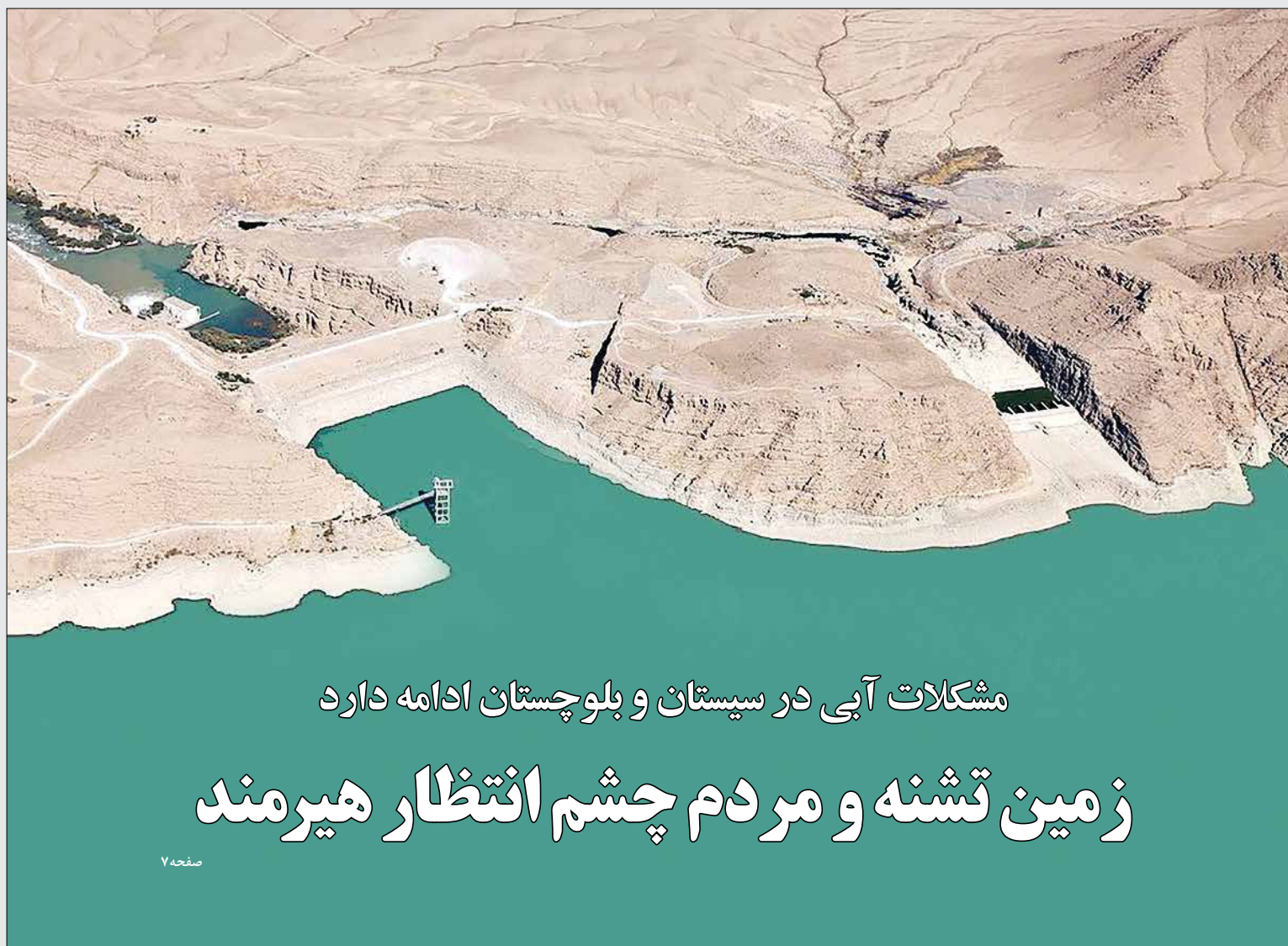
رایزنی رئیسی و پوتین
 درباره شورش واکنر

صفحه ۳

اژه‌ای در همایش بزرگداشت هفته قوه قضائیه با حضور سران قوا:

تاکنون چنین تعاملی بین سه قوه وجود نداشت

صفحه ۲



مشکلات آبی در سیستان و بلوچستان ادامه دارد

زمین تشنه و مردم چشم انتظار هیرمند

صفحه ۷

چرخش استراتژیک ایالات متحده در عربستان

صفحه ۳

مدیرکل درمان و حمایت‌های اجتماعی ستاد مبارزه با مواد مخدر مطرح کرد

تولید داروی «ترک اعتیاد» به روش کاشت «ایمپلنت»

صفحه ۴

چرا آمار دولت درباره تورم در زندگی مردم قابل لمس نیست؟

راز کاهش ۱۲ درصدی تورم در اقتصاد ایران

صفحه ۵

جواییه بانک مرکزی به گزارش روزنامه مردم‌سالاری

صفحه ۱۰

ناکامی کی‌یف در استفاده از شورش واکنر

صفحه ۱۱

سرمقاله



علی وداع

افراط و تفریط ایرانی در شورش واکنر

هرگز علیه او موضع‌گیری صریح نکرد و آقای تزار را به شکل مستقیم به چالش نکشید. دعوی فرمانده واکنر و فرمانده ارتش روسیه، دعوی دو رقیب قدرتمند در خانواده و جاه‌طلبی آنها بود. تبعات و نتایج شورش واکنر نیازمند زمان است تا تاثیر خود را نشان دهد اما آنچه که می‌توان گفت این است که فعلا اوکراینی‌های سرخورده از ناکامی ضدحملات بهاره، دیگر با ظرف پاپ کورن شورش واکنر و تحولات روسیه را دنبال نمی‌کنند. بنیان‌های ریشه‌ای قدرت پوتین همچنان در جامعه، اقتصاد و نظام روسیه حفظ شده است؛ البته او احتمالا برخی سیاست‌هایش را تغییر خواهد داد.

در این میان، واکنش افکار عمومی مردم و بعضا مقامات ایرانی نسبت به شورش واکنر یک رویکرد کاملا افراط و تفریط سیاه و سفید بود. گروهی که شیفتگان شرقی محسوب می‌شوند؛ با عتاب و خطاب گفتند که بازم پای سازمان سیا و غرب در میان است در حالی که رسانه‌های منصوب به کرملین و شخص رئیس‌جمهوری روسیه هم هرگز چنین دیدگاهی نداشته است.

دیدگاهی که ریشه همه مشکلات را در توطئه غرب و اقدامات تخصص‌آمیز غرب می‌بیند تحلیل غلط از وضعیت روسیه ارائه کرده است. رسانه‌های این گروه با نگاه کتمان به شورش نگاه کردند که غلط بود.

گروهی که دشمنان شرقی محسوب می‌شوند؛ به گونه‌ای موضع‌گیری و تحلیل کردند که گویی

گزارش روز

روزنامه روسی کامرسانت بررسی کرد توافق نه‌چندان آسان واشنگتن با تهران

ایران همچنین قصد دارد از آمریکا بخواهد که میلیاردها دلار دارایی کشور را آزاد کند، اما این پول‌ها اگر آزاد شوند فقط برای استفاده انسان دوستانه خواهند بود.

اخیرا به خبرگزاری‌های دولتی گفته است که اگر رئیس جمهوری خواهان به شدت از دولت باراک اوباما، لغو مسدود کردن منابع مالی ایران تحت توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ میلادی انتقاد کردند (به نظر آنها، این پول می‌توانست برای حمایت از فعالیت‌های تروریستی استفاده شود). دونالد ترامپ، رئیس جمهوری پیشین از لغو توافقات با ایران از جمله، توافق هسته‌ای خیر داد و اکنون، احتمالات حداقل برای عادی‌سازی جزئی روابط مورد بحث قرار گرفته است.

به ویژه، ایران ممکن است موافقت کند که اورانیوم را بیش از ۶۰ درصد غنی سازی نکند (۹۰ درصد برای ساخت بمب هسته‌ای لازم است). آنها از تهران می‌خواهند که از حملات گروه‌های طرفدار ایران در سوریه و عراق به پیمانکاران آمریکایی جلوگیری کند، همکاری با بازرسان بین‌المللی در مورد برنامه هسته‌ای را گسترش دهد و از فروش موشک‌های بالستیک به روسیه خودداری کند. در مقابل، تهران از آمریکا انتظار دارد که از تسلیح تحریم‌هایی که به اقتصاد ایران ضربه می‌زند، خودداری کند و قطعنامه‌های جدید «تنبیهی» علیه این کشور در سازمان ملل متحد یا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را ترویج نکند.

«پاول تاراسنکو» در روزنامه روسی کامرسانت می‌نویسد که ایالات متحده آمریکا و ایران به توافق بر سر تبادل زندانیان و تعدادی توافق دیگر نزدیک هستند. چشم‌انداز بازگشت به توافق هسته‌ای همچنان در کانون توجه قرار دارد. اگرچه، عمان درخصوص این موضوع بسیار خوشبین است، اما زنده کردن دوباره توافقات ۲۰۱۵ میلادی آسان نخواهد بود؛ فشار بیش از حد بر دولت جو بایدن، چه از داخل و چه از خارج، وجود دارد.

در آینده قابل پیش‌بینی، ایران می‌تواند دسترسی به وجوه خود در حساب‌های خارجی را که پس از اعمال تحریم‌های واشنگتن علیه تهران از دست داده است، بازگرداند. هفته گذشته پرتال آمریکایی آکسیوس گزارش داد که مذاکرات غیرمستقیم نمایندگان آمریکا و ایران در ماه مه در عمان انجام شده است. طرف عمانی سپس به عنوان میانجی عمل کرد. به گزارش وال استریت ژورنال به نقل از منابع خود، دولت جو بایدن دو هدف دارد: از سوی دولت عراق به ایران برای واردات برق و بردن خطرات مرتبط با توسعه برنامه هسته‌ای این کشور. همچنین باید خاطر نشان کرد که واشنگتن به عنوان نشانه حسن نیت، پرداخت ۲.۵ میلیارد دلار را تصویب کرد. این وجوه، قبلا تحت تحریم‌های اقتصادی آمریکا مسدود شده بودند.

نشریه نیویورک تایمز گزارش داد که نه فقط مذاکرات با ایران غیررسمی است، بلکه ممکن

یادداشت

قناعت ملت یا درایت دولت

یک یا دو نسل قبل ما نیک به یاد دارد که به دستور دکتر مصدق مایه را به قیمت هر عدد یک تومان - بله یک تومان - بین مردم تقسیم می‌کردند. ماهی‌هایی که ۴ تا ۵ تومان قیمت داشت. مصدق فقط نفت را ملی نکرد شیلات را هم ملی کرد. نمی‌گفت نخوردید مایه دست مردم داد. حجت‌الاسلام مصباحی مقدم که اصرار دارد بیشتر با صیغه اقتصاددان شناخته شود گفته است: «مردم ما قانع نیستند. مردم چین به یکی دو وعده غذا در شبانه روز اکتفا می‌کردند تا به توسعه رسیدند. علت اصلی تورم انتظارات تورمی است.» چند روز قبل هم یک حجت‌الاسلام دیگر - آقای علم‌الهدی - که بر خلاف اولی داعیه اقتصاددانی ندارد و البته هم پدر همسر آقای رئیسی است که قول داده بود اقتصاددانان را به خط می‌کند و هم معاون دانشگاهی که آقای مصباحی مقدم در آن درس اقتصاد می‌داده ریشه مشکل را جای دیگر دانسته بود. این که هر قدر هم حقوق افراد زیاد می‌شود مطابق آن هزینه‌ها را هم افزایش می‌دهند.

در این یادداشت اما حسب انتظار اصلی مخاطبان می‌خواهم نقبی تاریخی بزنم و یسادی کنم از طعنه مشهور محمود

منتقدان و مشخصا مصباحی مقدم را در تندترین الفاظ به باد انتقاد گرفت.

صبح روز بعد البته سه چهره مورد طعنه رئیس جمهور وقت و از جمله مصباحی مقدم بیانیه دادند و نوشتند: «پاسخ استنهاها و درشت‌گویی‌های آقای احمدی‌نژاد را نمی‌دهیم اما آماده مناظره هستیم.»

(کسی را به مناظره دعوت می‌کردند که ۹ ماه قبل با لحن خود در مناظره‌ها کشور را درگیر التهابی بی‌سابقه کرده بود و می‌دانستند مناظره‌ای در کار نخواهد بود)

ایین که ۹ ماه پس از انتخاباتی با آن تبعات از فراندوم هم حرف زد (برای یارانه‌ها البته) نیز در نوع خود جالب بود اما تعبیری که درباره مصباحی مقدم به کار برد بی سابقه بود. نام نبرد اما اشارات او به درصدهای اشتباه مشخص می‌کرد چه کسی را مراد دارد.

با این حال آن حمله سبب شد مصباحی مقدم به همان بیانیه اعلام آمادگی برای مناظره بسنده کند و تا مدت‌ها خاموش باشد یا آهسته‌تر نظر دهد و عملا از دور خارج شد مگر گاه که هم سو با قالیباف به صحنه می‌آمد.

خاصه این که احمدی نژاد ۹ ماه بعد حرف خود را به کرسی نشاند و با حذف یارانه غیر مستقیم پرداخت یارانه مستقیم

نقدی شروع شد و همچنان هم ادامه دارد و اگرچه سال قبل از ۴۵ هزار تومان به ۳۰۰ هزار تومان رسید اما شتاب قیمت‌ها در سه سال اخیر چنان بوده که دیگر مردمی بر درد کاهش قدرت خرید نیست. حالا اما مصباحی مقدم طعنه و خرده‌ای را به دولت وارد نمی‌داند بلکه ملت را به قناعت فرامی‌خواند. چشم احمدی‌نژاد را دور دیده یا نمی‌خواهد بر دامان ابراهیم رئیسی گردی بنشیند؟

یک نقب دیگر هم خالی از لطف نیست. وزیر کشور دولت دوم هاشمی‌رفسنجانی با وزیر کشور اول او متفاوت بود. دومی علی محمد بشارتی چه‌رمی در پی تورم سال ۷۴ گفته بود: پیش از انقلاب پای مرغ هم گیر مردم نمی‌آمد و حالا همه مرغ‌خور شده‌اند و کسی پاسخ داد: اول ما ران و سینه مرغ می‌خوردیم. شاید وضعیت اقتصادی خانواده شما چنین اجزاهای نمی‌داده ثابیا ترجیح مردم گوشت قرمز بود و چون توسعه دام‌داری‌ها پرهزینه بود دولت سازندگی ذایقه‌ها را به سمت گوشت مرغ سوق داد که البته سیاست درستی هم بود و قرار بود به آبزیان و ماهیان تشری یابد که نیافت.

در دوره دکتر مصدق اگر دنبال ملسی کردن نفت بود و از انتخابات آزاد دفاع می‌کرد از معیشت مردم هم غافل نبود. در بیرون با انگلستان شاخ به شاخ بود تا حق مردم ایران را